

ویژه  
نامه  
۷



هفتمین  
جشنواره بین المللی  
نمایش عروسکی تهران

۲۴-۳۱ شهریور ۷۷



TEHRAN, SEPTEMBER 15-22, 98

THE 7TH INTERNATIONAL PUPPET THEATRE FESTIVAL

## پیام روبن بابائیان

### مسئول و کارگردان گروه تئاتر عروسکی «هوانس تومانیان» ارمنستان

برای گروه تئاتر عروسکی «هوانس تومانیان» جای بسی خوشوقتی است که حضور دوباره در هفتمین دوره جشنواره تئاتر عروسکی تهران را یافته است. مطمئن هستیم که یکی از اهداف عمده این جشنواره ایجاد دوستی و مودت میان ملل مختلف جهان توسط این هنر اعجاب‌انگیز (تئاتر عروسکی) می‌باشد.

گروه تئاتر عروسکی «هوانس تومانیان» در طی فعالیت ۶۴ ساله خود بیش از ۲۵۰ متن نمایش را اجرا نموده است و بیش از ۱۲ میلیون نفر از نمایشها دیدن کرده‌اند. این گروه تئاتری که همواره تحت حمایت دولت بوده است شیوه‌های مختلف تئاتر عروسکی را مطالعه، اجرا نموده است ولی همواره هویت ملی خویش را حفظ کرده است. پیشرفتهای تئاتر عروسکی در ارمنستان مورد توجه و قدردانی شخصیتها به نام این هنر قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به «س. ابراتسوف»، «ر. میزری» و «م. ستواب» و ... اشاره نمود.

آثار نویسندگان کلاسیک جهان و ارمنستان همواره مورد توجه بوده است. گروه تئاتر عروسکی «هوانس تومانیان» ارمنستان در سومین حضور خود در جشنواره تئاتر عروسکی تهران نمایشی از نویسنده بلغار آپریلوف به نام «سومین» اجرا می‌کند که با وجود کلاسیک بودن، موضوعی امروزی را مدنظر دارد. برای کلیه شرکت کنندگان در جشنواره تئاتر عروسکی آرزوی موفقیت و سعادت می‌نمائیم.



## شیرین کاریهای مبارک

در ضیافت شام قیصریه

(۷۷/۶/۲۸)

فوزیه رجبی

ویژه نامه هفتمین  
جشنواره بین‌المللی  
نمایش عروسکی تهران  
۲۴ تا ۳۱ شهریور ۱۳۷۷

در فضای قهوه خانه‌ی سنتی قیصریه، ضیافت شامی از سوی حسین سلیمی دبیر جشنواره و بهروز غریب‌پور، قائم مقام و دبیر اجرایی جشنواره برگزار شد. بر تخت‌های چوبی فرش شده، گروه‌های خارجی گرم گفت و گو هستند. تعداد اندکی هم از میهمانان ایرانی حضور دارند. گروهی از میهمانان به دور آتیلا پسپانی جمع شده‌اند. گروه بلاروس با چند پیشخدمت که با چای از میهمانان پذیرایی می‌کنند، خوش و بش می‌کند و چند عکس یادگاری با آنها می‌گیرند. شام در فضای باز صرف می‌شود. روی میز چند نوع غذای سنتی دیده می‌شود. اما کبابی که در انتهای سالن سرو می‌شود مشتری خارجی بیشتری دارد.

احمدی، استاد خیمه‌شب‌بازی هم آنجاست. قرار است برای میهمانها اجرای خیمه‌شب‌بازی داشته باشد. او و همکارانش منتظر می‌مانند تا به محض برجیده شدن بساط پذیرایی، خیمه خود را بر پا کنند. یک عدم هماهنگی کوچک، اکثریت میهمانان خارجی را از تماشای نمایش حیرت‌انگیز استاد احمدی محروم کرده است.

در میان مانده‌ها چهره‌های آشنای جیم گمبل، رونی آلبرت و کارگردانان نمایش «هانس خوش‌شانس» و «بچه‌گرم» و چند تن دیگر دیده می‌شود. جیم گمبل درست روبروی خیمه نشسته است. با لبخندی کودکانه و شاد بر لبانش، دوربین کوچکش را آماده می‌کند تا لحظه‌های ناب را شکار کند. مبارک سرک میکشد. جیم گمبل از او عکس می‌گیرد. با دقت به برنامه خیره شده است. یکی از میهمانان خارجی هر چند لحظه یکبار پشت خیمه می‌رود و از چاک خیمه، استاد احمدی را در حال کار زیر نظر می‌گیرد تا راز خیمه‌مبارک را دریابد. از خنده ریشه می‌رود و این کار را چندبار تکرار می‌کند.

نمایش که تمام می‌شود جیم گمبل دست استاد احمدی را می‌فشارد و به او صمیمانه تبریک می‌گوید. کارگردان اکراین نیز از دیدن نمایش ابراز شگفتی می‌کند.

کارگران قهوه‌خانه‌ی سنتی نیز به جمع میهمانان خارجی و تماشاگران نمایش استاد احمدی می‌پیوندند.

حضور استاد احمدی و عروسک‌هایش دریچه‌ای بود که بر پا کنندگان این ضیافت به روی میهمانان خارجی، برای درک و فهم فرهنگ این دیار، گشودند که با کمال تأسف تنها گروه اندکی را این فرصت ناب فراهم آمد.

- ❁ شیرین کاریهای مبارک ۱
- ❁ دیدار میهمانان خارجی از مرقد مطهر ۲
- ❁ گزارش سمینار ۳
- ❁ اسلحه جادویی کنزو ۴
- ❁ گفتگو با بیژن نعمتی شریف ۵
- ❁ روبوت و پروانه ۶
- ❁ تولکی ایله خوروز ۷
- ❁ حسنی و دیو سیاه ۸
- ❁ وسوسه سن آنتونی ۹
- ❁ پتروشکا ۱۲
- ❁ پولیشیل ۱۳
- ❁ منشأ تئاتر عروسکی - تیری تومبا ۱۴
- ❁ نقش تماشاگر نمایش عروسکی ۱۶
- ❁ یک تجربه عروسکی با کودکان ۱۸
- ❁ نمایش ماسکاراس ۲۱
- ❁ گفتگو با گروه اوکراین ۲۲
- ❁ بخش انگلیسی ۲۳

سردبیر: لاله تقیان

مدیر داخلی: صمد چینی‌فروشان

مدیر فنی و هنری: محمد وجدانی

صفحه‌آرایی: شهناز یوسفی

عکس: اختر تاجیک، حجت ترصدی

حروفچینی: امیر شهیدی

لیتوگرافی: پام‌مهر



## دیدار هنرمندان خارجی از مرقد مطهر رهبر فقید انقلاب

مربوط به جابجایی محل اجرای نمایش) و نیز هند و بلغارستان (به دلیل شرکت در سمینار) به همراه راهنمایان، مترجمان و پرسنل حراست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، داوطلبانه شرکت نمودند و از فضای روحانی، زیبا، ساده و بی تکلف مرقد مطهر ابراز شگفتی نمودند. به گفته همراهان و مترجمان، گروههای میهمان، هدف از این دیدار را، ملاقات با شخصیت برجسته قرن و رهبر شگفتی آفرین جهان اسلام اعلام کرده‌اند.

صبح روز ۷۷/۶/۲۹ در جریان ششمین روز برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران، گروهی از میهمان خارجی و هنرمندان شرکت کننده در جشنواره از مرقد مطهر رهبر فقید انقلاب، امام خمینی (ره) دیدار کردند. در این دیدار که در پی درخواست و ابراز تمایل میهمان شرکت کننده در هفتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی صورت گرفت، تمامی گروههای خارجی به جز گروههای روسیه، ویتنام، ارمنستان (به دلیل مشکلات



### تنها، کار نکرده، بی خطاست

شرح زیر اصلاح می‌شود:  
\* (برای صفحه دوم) سمینار: گفت و گوی تمدنها و نمایش عروسکی.  
\* (برای صفحه داخلی جلد دوم به دلیل عدم حضور فاروق قیصر در جشنواره) سخنرانی جیم گمبل: «عمری تجربه در جهان عروسکها» - ساعت ۱۱-۱۲.

باید در ویژه‌نامه ششم می‌نوشتیم اما تکرار پوزش آن هم در دو ویژه‌نامه پی در پی را برای شانه‌های خسته این گروه شب‌زنده‌دار (همکاران بولتن را می‌گوییم) بیش از حد سنگین یافتیم، پس به امروزش سپاردم تا دیگر بار ضمن پوزش و چشم داشت پذیرش اعلام کنیم که: اشتباهات چاپی رخ نموده در ویژه‌نامه ۵ به



## گزارش چهارمین جلسه سمینار گفتگوی تمدن‌ها و نمایش عروسکی

ای وقت تو خوش، که وقت ما کردی خوش

همایون علی آبادی

نوکر است و مبارک غلام سیاه. و عمده‌ترین ویژگی‌هایشان، غم‌ها، شادبها، تکیه کلام‌ها و شوخی‌هایشان با یکدیگر مشترک و منطبق است. هیچ کس از شوخی عروسک‌ها در امان نیست و این از "محسنات" عروسک‌ها است. اوج این قضیه در "خیمه شب بازی" ایرانی است که "مبارک" حتی به "پا خیمه‌ای" هم رحم نمی‌کند! این عروسک‌ها جملگی مدافع قانون و عدالت و محرومان و بینوایان‌اند» ذوالفقاری در ادامه افزود: "من در پانزده جشنواره جهانی با نمایش عروسکی "خیمه‌شب‌بازی" ایرانی شرکت کرده‌ام. هیچ مخاطبی با زبان این نمایش دچار مشکل نشد.

همگی با یک وسیله و از طریق یک "سوت" صحبت می‌کنند، ("صفر" و "سوزال"). و از این روی صدایشان غیر زمینی، خاص و یک سان می‌شود. لازلو، پولچینل، سمار، پتروشکا، آرلکینو و مبارک همه متعلق به یک خانواده‌اند و به یقین، گفت و گوی بین اعضای این خانواده تفاهم‌آمیز خواهد بود».

این همایش پس از جلسه پرسش و پاسخ «اردشیر کشاورزی» و پاسخ "دادی بودومچی" به پرسش‌های حاضران در زمینه مسایل "یونما" به پایان رسید.

چهارمین روز سمینار گفتگوی تمدن‌ها و نمایش عروسکی با سخنرانی جواد ذوالفقاری آغاز به کار کرد و در بخش دوم به جای نمایندگان عروسکی مجارستان که در جلسه حاضر نبودند "دادی بودامچی" به پرسش و پاسخ در زمینه مسائل "یونما" و نیز نمایش عروسکی پرداخت. جواد ذوالفقاری با تأکید بر این نکته که واضع گفت و گوی تمدن‌ها در اصل آقای خاتمی - رئیس جمهور - بوده‌اند، افزود: «گفت و گوی تمدن‌ها همواره برای اهل هنر به مثابه چراغی فرا راه بوده است و هنرمندان به این فضا چشم امید داشته‌اند. آنها نه تنها در حوزه کلام که در عمل و به هنگام خلق آثار هنری نیز به بیان و بازآفرینی این مفهوم پرداخته‌اند». ذوالفقاری با اشاره به نقش هنر در تقویت تفاهم فرهنگی و زدودن سوتفاهم‌ها گفت: «قهرمانان ملی نمایش عروسکی در گستره جهان همواره عصاره فرهنگ ملیت‌های گونه‌گون بشری‌اند. هرچند هر کدام به زبان ملتی خاص سخن می‌گویند و به نظر می‌رسد که امکان گفت و گو با آنان بعید است. اما شباهت‌هایی که میان آنها وجود دارد، گفت و گو را ممکن می‌کند. جواد ذوالفقاری افزود: دقت کنید! همگی این چهره‌ها به پایین‌ترین اقشار اجتماع تعلق دارند. آرلکینو،



## نقش‌های جادویی ژاپن - در نمایش «اسلحه جادویی کنزو»

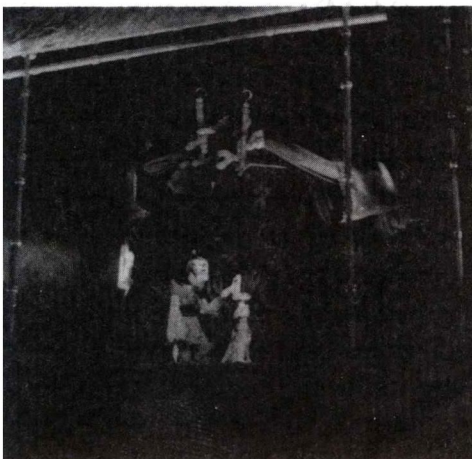
حسین طالبیان

برخی از عروسک‌ها نیز سخن می‌گویند و با حرکاتی موزون و به همراهی موسیقی که خود به عنوان عنصری فعال در صحنه حضور دارد، نمایش را پیش می‌رانند. این هماهنگی دقیقاً با نور و فضای صحنه مقارن است. ترکیب‌بندی صحنه در حول قرینه‌ای رنگین شکل می‌گیرد و ابزارهای صحنه در جهت بهره‌گیری عمل نمایشی به خوبی استفاده می‌شود. صحنه به مثابه یک تابلوی نقاشی طراحی می‌شود. مهارت‌های ویژه بازیگران و بازی‌دهندگان در خلق فضاهای سراسر شور و احساس - مرگ و زندگی - ستودنی است. طراحی فضای صحنه نمایش به تمثیل اغراق‌آمیز راه می‌برد که نقطه عطفی در طراحی صحنه نمایش است.



افسانه‌های ژاپنی در سراسر جهان به عنوان میراث ملتی زنده و پویا شهرت یافته‌اند. ژاپنی‌ها میراث‌دار نمایش عروسکی به شیوه «بن‌راکو» هستند. «اسلحه جادویی کنزو» یک افسانه ژاپنی به روایت گروهی از «روسیه سفید» است که با تلفیقی از شگردهای مختلف نمایش عروسکی (بن‌راکو - نخ - میله‌ای و...) به اجرا درآمد.

این نمایش، تقلید ماهرانه‌ای از فضای نمایش‌های ژاپنی است. نمایش با موسیقی آغاز می‌شود. صحنه در پرتوی از صداهای «اکسپرسیو» زبان می‌گشاید. و اشخاص بازی بر صحنه ظاهر می‌شوند. داستان توسط دو راوی که در دو سوی صحنه نشسته‌اند روایت می‌شود. راویان علاوه بر روایت داستان به زبان





## گفتگو با بیژن نعمتی شریف (عروسک‌ساز)

الیه عطاردی

هستید.

□ مشکل خاصی نیست که بیرون از خود فرد تحمیل شود. فقط به نظر می‌رسد عمده‌ترین مشکل ما نمایشنامه‌نویسی است، اغلب نمایشنامه نویسان عروسکی، بدون توجه به امکاناتی که عروسک، و صحنه عروسکی دارد، متن می‌نویسند، این است که پیشنهاداتشان، به نحوی است که در واقع نمی‌تواند، جذابیتی ایجاد کند. به نظر من نمایشنامه‌نویس عروسکی باید خاک صحنه خورده باشد، و در همه زمینه‌های آن باید دارای اطلاع باشد. این مورد شامل حال کارگردان هم می‌شود.

□ شما در جشنواره امسال چه می‌کنید؟

طراحی و ساخت عروسک‌های نمایش "گنجشک اشی اشی مشی" به کارگردانی آقا حسن دادشکر، را انجام دادم که در جشنواره به نمایش در خواهد آمد. پروژه دیگری را هم که بازسازی عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی قدیمی ایرانی است بر عهده گرفته‌ام. این پروژه توسط آقای سلیمی، سرپرست هنرهای نمایشی، و به ابتکار و پیشنهاد آقای غریب‌پور، نماینده یونیمما به من محول شد و قرار است که تعداد ۳۰ عروسک خیمه‌شب‌بازی در سالن انتظار تئاتر شهر یا تالار وحدت در ویتربینی به معرض تماشا گذاشته شود. همچنین سعی شده با تهیه قالبی لاستیکی از آنها، امکان تکثیر این عروسک‌ها را هم فراهم کنیم تا با تولید انبوه، در معرض فروش قرار بگیرند.



بیژن نعمتی شریف در سال ۱۳۲۶ متولد شده است. تحصیلات خود را در زمینه مجسمه‌سازی در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ به پایان رساند و پس از گذراندن خدمت وظیفه در سال ۱۳۵۴ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان طراح و سازنده عروسک‌های نمایشی مشغول به کار شد.

□ جایگاه عروسک‌ساز ایران را در قیاس با جهان خارج چگونه می‌بینید؟

□ موفقیت کشورهای اروپایی مدیون مدون بودن و پیگیری مستمر نمایش عروسکی و البته وجود امکانات بیشتر است. من فکر می‌کنم چنین راهی برای ما هم باز است، چرا که خلاقیت حصری ندارد. توأمند شدن ما در این رشته هنری.

□ شما در حرفه خودتان با چه مشکلاتی روبرو



## انسان مصنوعی و احساس انسانی

شعله پاکروان



نام نمایش: روبات و پروانه  
برگرفته از داستانی به همین نام نوشته ویتایت  
ژیلینس کاته

بازنویسی متن و کارگردان: جمشید اکبرزاده  
بازیگران و عروسک‌گردانان: غلامرضا  
درگزی، وحید خانی، علی رسولی، نادر مزده‌لو  
فر، محبوبه ملکی، شقایق اورنگ، مریم فقیری  
طرح و ساخت عروسک: جمشید اکبرزاده  
شیوه اجرای عروسکها: الکترونیکی، میله‌ای  
عروسکها را به عروسک‌گردان متصل می‌کند و  
عروسک‌گردان از دور هم می‌تواند عروسک  
را به حرکت و فک‌زدن وادار کند.

❁ داستان نمایش: در یک نمایشگاه،  
پرفسوری، آخرین دستاوردهای تکنولوژی را  
به نمایش گذاشته است. یک شب، پروانه‌ای وارد  
نمایشگاه می‌شود و...

«احساس انسانی» حرف بزنند، انسانهای  
ماشینی نمی‌گذارند.

□ درباره طرح استفاده از استاد راهنم، چه  
نظری دارید؟

□ طرح خوبی است. خانم جدیکار استاد  
راهنمای من بود. ایشان در تمرین‌های من  
شرکت کردند و راهنمایی‌های ارزنده‌ای کردند.  
نظرهای ایشان خیلی جالب و راهگشا بود. در  
همین جا از ایشان تشکر می‌کنم.

□ موسیقی در کار شما چه نقشی دارد؟

□ من به خاطر تخصصی که در امور صدا دارم،  
توانستم موسیقی و افکت نمایش را به صورت  
کامپیوتری بسازم و این مسئله هماهنگی کامل با  
موضوع نمایش و شیوه اجرا دارد.

جمشید اکبرزاده متولد ۱۳۴۱ و فوق‌دیپلم  
اقتصاد است. وی اکنون به عنوان صدابردار در  
تئاتر شهر مشغول به کار است.

□ آقای اکبرزاده هدفتان از انتخاب این متن چه  
بوده؟

□ با این نمایش می‌خواهم به انسانیت انسان  
تلنگری بزنم. انسانهای امروزی خیلی ماشینی  
شده‌اند و خودشان را فراموش کرده‌اند. حتی  
وقتی انسانهای دیگر می‌خواهند درباره





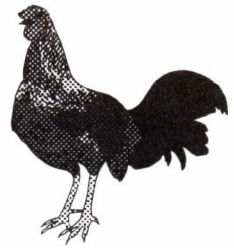
## «تولکی ایله خوروز» (روباه و خروس)

سعید زین العابدینی

داریوش ملک‌پور، سعید رحیمی، مریم مهرفیروز، رضا خروجیان، امیر دریاکش، الناز بشیری، مریم سودبر  
خلاصه نمایش: داستان نمایش در سه اپیزود می‌گذارد که قهرمان اصلی داستان خروس است که در اپیزود اول با شاه به مبارزه برخاسته و با رسوا کردن شاه سعی در روشنگری دیگران دارد. در اپیزود دوم خروس با روباه درگیر شده و سعی در افشای حقایق پنهان زندگی دارد و در نهایت در اپیزود سوم در غیاب خروس ...

معرفی کارگردان: برمک بشیری میاندواب متولد ۱۳۵۱ است. در زمان کودکی با تئاتر آشنا شد. از سال ۱۳۶۵ تئاتر را به‌طور جدی پیگیری کرده و حاصل فعالیت‌های وی تاکنون اجرای بیش از ۱۰ نمایش در سطح جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای بوده است. او با نمایش «تولکو ایله خوروز» برای نخستین بار در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران شرکت می‌کند.

□ نظر شما درباره طرح استاد راهنما چیست؟  
□ متأسفانه دور بودن از مرکز تئاتر کشور موجب فراموشی مسئولین نیست طرح استاد راهنما در حد یک شعار در شهرستان‌ها مطرح شد.



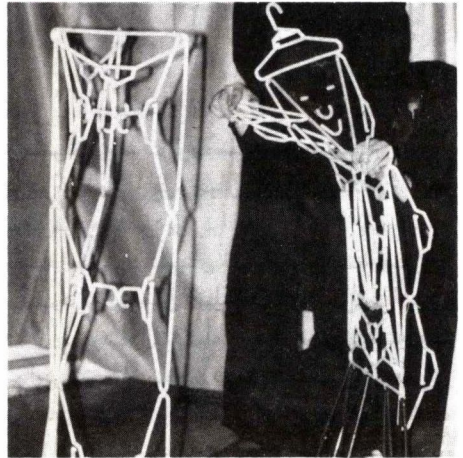
نویسنده: بهرنگ بشیری میاندواب  
کارگردان: برمک بشیری میاندواب  
ساخت ماسک: ابوالقاسم اشرفی  
طراح نور: یوسف سودبر  
طراح عروسک سایه: رویا پرویزی  
موسیقی: فرزاد بهمنی، محمد امامی  
بازی‌گردانان: غلام‌رضا غلامی، مصیب جلال،



## حسنى و دیوسياه

کارگردانی مسعود زرین قلم فعالیت داشته است. اشرفی درباره مشکلات کارش و توقعاتی که به عنوان یک هنرمند دارد سخنانی دارد: "وقتی که جواب مثبت متن را گرفتم، دست بکار شدم. دو ماه و نیم وقت داشتم برای ساخت عروسکها و تمرین. بعد از ساخت عروسک، به مشکل اصلی یعنی محل تمرین برخوردم. اگر این نمایش به مرحله اجرا رسید، همه را مدیون پایمردی اعضای گروه هستم. حتی دکور را هم گروه تهیه کرد. البته آقای حلیمی به عنوان استاد راهنما کمک زیادی کردند. ایشان تجربیات خود را در اختیار ما گذاشتند و ما از تخصص ایشان خیلی استفاده کردیم. نفس استاد راهنما برای گروههایی که تجربه زیادی در زمینه عروسکی ندارند خیلی خوب و مفید است. اما از طرق دیگر هم می‌توان به جوانها کمک کرد. مثلاً همین جلسات روزهای دوسنبه خیلی خوب است. اما چند جلسه‌ای که من رفتم و یک دو تا فیلم از کشورهای بلغارستان و مجارستان نشان دادند، خیلی جالب نبود. اگر به بچه‌های خودمان ارجح بیشتری بگذارند می‌توانند، کارهای خیلی بهتری ارائه دهند.

مبارک یونیمای می‌تواند از فیلمهای جدیدتر و بهتری هم استفاده کند. ایجاد ارتباط با دیگر کشورها و جشنواره‌های عروسکی خارجی هم حتماً کارگشاست. یونیمای می‌تواند کاری کند تا بعد از پایان جشنواره هم، گروهها از هم نپاشند.



نویسنده: سعید رضایی

کارگردان: ایرج اشرفی

طرح و ساخت عروسک: سعید رضایی  
عروسک‌گردانان: منصور آقاچانلو، محمد پیروزی‌نژاد، اکبر غنی‌نژاد، حمید امدادی، وحید موسوی، حسین کاظمی و خانم نیکونام.  
داستان نمایش: حسنی پسرکی تنبل و وارفته است. مادرش او را از خانه بیرون می‌کند تا کار کردن را یاد بگیرد. حسنی در راه تخم مرغ، کرنا و پرندهای را می‌بیند و...

ایرج اشرفی متولد ۱۳۴۸ است. مدت دو سال در هنرستان صدا و سیما تحصیل کرده است و در نمایش عروسکی «مروارید مرمی» به کارگردانی زهرا صبری و «کدو تنبل» به



## وسوسه سن آنتونی

نویسنده: جان فیلیپس

ترجمه: فرح یگانه

فرض می‌شده کاری از بروگل باشد و هم چنین پس از اجرای نمایشی عروسکی که فلوبر در فستیوال "سن رومن" در روئن دیده بود نوشته شد. فلوبر عادت داشت که "ژرژ ساند" را با خود به تئاتر "پر لوگرن" برای دیدن نمایشی برد که با پرواز خوک سن آنتونی در هوا در حالیکه فشفشه‌ای به دم او بسته شده بود پایان می‌گرفت. اجراهای امروز گروههایی چون آل برترول در لیژ نیز به همین شکل پایان می‌یابد.

فلوبر سه نسخه متفاوت از این نمایش نوشت و آن را بهترین اثر خود در تمام دوران حیاتش نامید. اما خوک سخن‌گو تنها در یکی از آن‌ها ظاهر می‌شود. نسخه اصلی در سال ۱۸۹۴ نوشته شد. در این نسخه در سال‌های ۱۸۵۶ و ۱۸۶۹ قبل از نسخه نهایی (۱۸۷۴) اصلاحات بسیاری وارد شد. ترجمه "کیتی میروسوسکی" از این اثر که اولین بار توسط "سیکر" (Secker) و "واربرگ" به چاپ رسید در میان کتابهای انتشارات پنگوئن موجود است.

فلوبر، خود از شباهت نزدیک موضوع اثر با زندگی شخصی‌اش آگاه بود. هر چند در

در حالیکه «وسوسه سن آنتونی» همواره یک درونمایه محبوب در بسیاری از کشورهای اروپایی بوده است در انگلستان به فراموشی سپرده شده است. این امر شاید به دلیل موضوع اغوا و اعتراف بوده است، که در مذهب کاتولیک مسئله‌ای اساسی است و بنابر این در انگلستان پروتستان از آن اجتناب می‌شود. ظاهراً هیچ اجرای عروسکی ثبت شده‌ای در این زمینه در انگلستان وجود ندارد؛ حتی نقاشی‌های بسیار انگشت‌شماری در این مورد دیده شده است.

در میان مشهورترین هنرمندانی که به افسانه سن آنتونی واکنش نشان داده‌اند می‌توان از نقاشانی چون پیتر بروگل، هیرونیמוس بوش و ماتیاس گرونه‌والد نام برد. حکاک‌های مشهوری نیز توسط "مارتین شون گاور" و "ژاک کلو" انجام گرفته است. کارهای ژاک کلو بر هنرمندان متأخری چون جیمز انسور تاثیر بسزائی داشته است.

در وادی ادبیات، "سن آنتونی" اثری از گوستاو فلوبر است که در مرتبه‌ای رفیع قرار می‌گیرد. این اثر تا حدی تحت تاثیر تابلویی که

انتقال یافت. این مکان مرکز فرقه‌ای به نام آنتون‌ها شد و چون این قدیس از سوی مردم به شفا دهنده منتصب شده بود مقبره او مرکز زیارتگاهی شد که شبکه‌ای از صومعه‌ها را به وجود آورد.

خوکی که به طور معمول در نقاشیها از این قدیس وجود دارد از سنت نگهداری خوک توسط آنتون‌ها اقتباس شده است که برای امرار معاش خوک نگهداری می‌کرده‌اند. به دُم این خوک اغلب زنگوله‌ای آویزان است.

فلور هرگز مایل نبود که نمایشش موضوع تابلوهای نقاشی قرار گیرد اما در هر صورت این نمایش الهامبخش نقاشانی همچون "فرناند خنوف"، "جیمز انسور" و "سزان" که نسخه‌هایی از آن‌ها اخیراً در آکادمی سلطنتی به نمایش گذاشته شد. اما ارزشمندترین آثار تصویری از رؤیای فلور را آدیلون ردان خلق کرده است.

"آدیلون ردان" یک سری چهل تایی از تصاویر سیاه و سفید باشکوه را در سالهای ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ و ۱۸۹۶ به چاپ رساند. هم چنین تعدادی تابلو نقاشی با همین درونمایه خلق نمود.

شخصیتهای کلیدی نمایش: "شیطان"، "مرگ"، "ملکه سبا" تجلی‌گر قدرت و شهوت‌اند و نیز "هیلیون" که، مریدی مرتد و همکار شیطان است. "هیلیون" در تلاش برای متقاعد کردن قدیس به کمک منطق ناپایداری بنیادی و ثبات‌ناپذیری ذاتی ایمان، رفته رفته به نشانه و نماد عینی علم بلندتر و بلندتر می‌شود تا آنجا که به ابعاد یک غول می‌رسد. گرچه "سن آنتونی" فلور، پیرمردی ضعیف و بدخلق است که مدام از راهی که پیش گرفته بیرون می‌افتد اما، سخت بر عقیده‌ای که ذاتاً بر آن بصیرت دارد تکیه می‌کند.

شیطان در تلاش برای اینکه سن آنتونی را از عظمت جهان به وحشت بیندازد به روش فاوست

نسخه‌های بعدی سعی در پنهان نمودن آن کرد. او گاه به خود لقب «تارک دنیا» می‌داد. این متن‌ها انعکاس الهامات و احساسات عمیق او هستند.

جای تعجب نیست که «وسوسه سن آنتونی» همواره نزد آنان که کار تئاتر عروسکی می‌کرده‌اند محبوب بوده است چون ساختار پیکارسک (رمان یا نمایشنامه‌ای که قهرمانش یا ماجراجوست و یا ناکس) آن موقعیتهایی را برای ارائه یک سری شخصیتهای کاملاً متضاد و تأثیرات ویژه ایجاد می‌کند. این نمایش برای اجرا توسط گروههای خانوادگی کوچک با امکانات محدود بسیار ایده‌آل است.

در نمایش، مطابق الگوی اجرایی سنتی آن، آنتونی که از لحاظ روحی دچار کشمکش است و خود را مورد سؤال و تردید قرار می‌دهد در تضاد با واقع‌گرایی کسل‌کننده و ماهیت عادی و زمینی خوکی که هم‌نشین اوست قرار می‌گیرد. این تضاد با تضاد دُن کیشوت و سانچوپانزا قابل قیاس است.

سن آنتونی در حدود سال ۲۵۰ میلادی در مصر به دنیا آمد. والدینش که هر دو مسیحی بودند هنگامی که او هنوز جوان بود دارفانی را وداع گفتند و او نیز تمامی دارائیش را به دیگران بخشید و روش زندگی تارک دنیایی را پیشه کرد. اشتیاق هوادارانش باعث شد که وی بارها تغییر مکان دهد و به صحرانشینی روی آورد. اما سرانجام موافقت کرد که دو صومعه به خود و سن پل که او نیز تارک دنیا بود اختصاص دهد. نقاشی مشهور سر در محراب در آیزن‌هایم اثر گروه‌والد هر دو قدیس را در یک چشم‌انداز گوتیک نشان می‌دهد. یکی از قابها سن آنتونی را در حالی نشان می‌دهد که تعداد کثیری دیوهای دهشتناک به او حمله کرده‌اند.

تصور بر این است که آنتونی بیش از یک صد سال عمر کرده است. در سال ۱۰۵۰ میلادی جسد او از قسطنطنیه به "سن آنتوان آن‌وینوا"

تأثیر نیز یک استثناء نیست. اثر نه تنها یک نمایش مذهبی نیست بلکه بسیاری چیزها درون متن وجود دارد که نشان از تفسیری بدخواهانه دارد. برای اینکه به یک نتیجه گیری وفادارانه به متن برسیم نیاز به اطلاعات زیادی از آثار گلرود

و نظریاتش داریم.

افسانه سن آنتونی همچنان  
علاقه هنرمندان و  
نویسندگان فلامان را به  
خود جلب می‌کند  
چرا که موقعیتی  
برای مقایسه  
شگفتی‌ها

با  
مسائل  
عادی و تخیل با  
واقع‌گرایی خاکی  
فراهم می‌کند. جریانات  
سورآلیستی و  
اکسپرسیونیستی، هر دو شدیداً  
در هنری بلژیکی وجود دارند.  
اشکالی که در نقاشیهای انجیلی  
فلامان‌ها وجود داشتند در هنرهایی به  
ضرورت زمان نشان داده می‌شد. اتخاذ چنان  
قرار داد مشابهی در تئاتر عروسکی می‌تواند  
موقعیتهای فراوانی برای مقایسه مضحکه‌آمیز  
سبک و گفتار به وجود آورد. دلیل واقعی جاذبه  
«وسوسه سن آنتونی» هر چه که باشد، این نمایش  
فرصتهای مناسبی برای نمایش عشق، مرگ و  
گروتسک به وجود می‌آورد که این هر سه  
پایداری جاذبه تئاتر عروسکی را ممکن  
می‌کنند.

او را به سفری در فضا می‌برد. آنها همچنین به  
زیر امواج دریا سفر می‌کنند. جایکه او قادر به  
تشخیص میان اشکال بیولوژیکی، گیاهی و  
خاکی نیست و از یک پارچگی و وحدت طبیعت  
به هیجان می‌آید. و این همه نه تنها از ایمان او  
نمی‌کاهد، بلکه تنوع و کثرت موجود در حیات  
ایمانش را قوی‌تر می‌سازد و او در نهایت با  
پذیرش وجود هم‌زمان زیبایی و زشتی، نظم و  
بی‌نظمی به عنوان ضرورت آفرینش به صلح  
دست می‌یابد.

تابلوی جیمزانسور الهام بخش میشل  
گلرود در نوشتن نمایش «روایت  
موتق و سوسه سن آنتونی» شد.  
این نمایش برای تئاتر  
عروسکی "تون" در  
بروکسل نوشته شد.  
در این نسخه  
شیطان آنتونی

را  
می‌ترساند و  
زنان بابل، مگدالنا  
و مارتا او را وسوسه  
می‌کنند. او با جنگجویی  
عظیم‌الجثه روبرو می‌شود و از  
یک طوفان جان سالم بدر می‌برد.  
صحنه‌ای که برای نمایش زیر دریا  
تهیه شده فرصتهایی برای معرفی انواع  
موجودات فراهم می‌آورد: شقایق دریایی،  
کوسه ماهی، سوسکه‌ها، اسب‌های دریایی  
و یک اختاپوس. صحنه نهایی، همیشه حومه  
آرام شهرهاست. وقتی غروب از راه می‌رسد  
آسیاب‌های بادی می‌چرخند و سن آنتونی به دعا  
مشغول می‌شود.  
اثر گلرود اساساً گزنده و هجوآمیز است. این



### پتروشکا Pietruszka

پیدایش این شخصیت معروف تئاتر عروسکی روسیه مشخص نیست، اما ارتباط او با قهرمانان معروفی که از کمدی دل‌آرته اقتباس شده‌اند، غیرقابل انکار است. نخستین بار در آغاز دهه چهارم قرن نوزدهم بود که از او به عنوان عروسک نمایشی استفاده شد. از آن پس "پتروشکا" که یک عروسک دستکشی بود در کنار «پولچینلا» در کمدی‌های خیابانی ظاهر شد. نوعی دلکع عامی. کمدی "پتروشکا" که او در خیابان‌ها و در فستیوال عروسکی گروه‌های به طور نمایشی سیار اجرا می‌کرد اغلب با موسیقی نوازنده‌ای دوره‌گرد و نیز اشارات شناخته شده‌ای از تئاتر پانچ، پولیشنیل یا پولچینلا همراه می‌شد و بعدها عناصر جدیدتری نیز در ارتباط با ذائقه تماشاگران به آن اضافه شد. این نمایش‌ها فاقد متن از پیش نوشته بودند و فی‌البداهه ساخته و اجرا می‌شد.

بعد از سال ۱۹۱۷ کوشش‌هایی در جهت تبدیل کمدی "پتروشکا" به تئاتر تبلیغاتی (پتروشکای سرخ) به منظور انطباق آن با نیازهای حاکمیت جدید صورت گرفت.



### پولیشینل Poliszynel

شخصیت معروف تئاتر عروسکی فرانسه، باقی مانده از سنت تئاتری کم‌دیا دل آرته، پسر عمومی "پولچینلا" (ایتالیا) و "پانچ" (انگلیس).  
 مبداء اصلی این شخصیت کشور ایتالیا است و در سال ۱۳۶۰ (م) در شهر پاریس، به این اسم نامگذاری شد. در قرن هفدهم (م) این قهرمان به صورت عروسک نخی ساخته می‌شد و در مجموعه متنوعی از نمایش‌های گروه‌های سیار تئاتری به عنوان یک شخصیت کمیک شرکت می‌کرد. او به تدریج جنبه‌های حيله‌گری، بذله‌گویی و انتقادآمیز شخصیت خویش را که با حسی از شوخ‌طبعی عوامانه درهم می‌آمیخت، آشکار ساخت. انقلاب فرانسه نقش مشاور امین دربار (Mentor) را از او گرفت و از آن پس به همراه نمایندگان (عروسکی) از مقاطع تاریخی گذشته، به کار گرفته شد. او بار دیگر به صورت عروسک دست‌کشی تجدید حیات کرد تا کم‌دی خاص خود، یعنی تئاتر خیابانی را به وجود آورد. بعدها در نیمه دوم قرن نوزدهم گینول (Guignol) عروسک اصلی خیمه‌شب‌بازی فرانسه - جایگزین پولیشینل شد و او را از صحنه بیرون کرد.



## منشاء تئاتر عروسکی

و

## گروه تئاتر تیری تومبا

ترجمه: فرشته وزیری نسب

### بازی خدایان

«ماریونت» (Marionette)، «فانتوچینی» (Fantoccini)، «مانیکن» (Manikin) یا «بازی خدایان» (The game of gods) نامهایی هستند که ما را به ریشه‌های الهی تئاتر عروسکی ارجاع می‌دهند. این بازی آغازگر ستایش خدایان سازنده جهان و مقلد نقش آنان بود و به گفته افلاطون: کارکرد دو جانبه «بازی و تربیت» را داشت. مراسم ماریونت «رازهای ارفه‌ای» (Orphic) و یا «ستایش باکوس» (Bacchus) همه خاطرات دراماتیک خود را برای نمایش عروسکی به میراث گذاشته است.

تئاتر عروسکی با چنین سابقه‌ای، شکلی از بیان و هنر است که برای کل تاریخ بشر شناخته شده است. با این حال، علی‌رغم حضور فراگیرش، علیرغم اهمیت تصویری، زبانشناختی، هنری، جامعه‌شناختی، فرهنگی و تاریخی‌اش، عمداً به زوایای تاریک تئاتر محدود گشته است. شاید مقصر مکان‌های

اجرای نمایش عروسکی است: بازارهای مکاره، کاروان‌های شادی، جمعه‌بازارها و همه جاهایی که مردم طبقات پایین در آن جمع می‌شوند. همچنین ممکن است علت، طرد فلسفی الوهیت و طرد اختلافات طبقاتی جامعه باشد. عروسکها مجبور بوده‌اند به شیوه خود با انکار و تمسخر و محدود ماندن به نقش حاشیه‌ای کنار بیایند، و منتظر بمانند، تا زمان بازگشت و به رسمیت شناختنشان فرا رسد. آیا باید دوباره از میوه درخت دانش بچشم تا به عصر معصومیت بازگردیم؟ این سؤال یا چالش خطاب به همه آنهاست که خود را وقف خدمت به هنر کرده‌اند و باید همچنان در عذاب دریافت پاسخ یا تجدید نظر بمانند.

اکنون با دریچه دوربین را تنگ‌تر می‌کنیم (Shutter) و در محدوده «لاریسا» (Larissa) به بررسی تئاتر عروسکی می‌پردازیم. گروه تئاتر عروسکی «تیری تومبا» که از نفوذ گسترده‌ای برخوردار است یکی از معدود گروههای تئاتر عروسکی یونان است و وابسته



مجموعه برنامه‌های «تیری تومبا» به چشم می‌آید. از نظر آماری، گروه هیجده برنامه، شامل شکلها و فنون مختلف تئاتر عروسکی سنتی و معاصر (از سایه‌بازی تا سایه‌بازی) را بر صحنه برده است. بهر حال، این واقعیت که گروه فاقد محلی دایمی است مایه دل‌آزاری مدام است و پویایی لازم را از کار می‌گیرد؛ در واقع این مساله حضور خلاق «تیری تومبا» را کمرنگ می‌کند. نور می‌رود، تاریکی فرو می‌افتد، پرده‌ها کنار می‌روند، و اینک آنها؛ عروسک‌هایی الهی و شیطانی‌اند!

به اتحادیه جهانی تئاتر عروسکی است. «تیری تومبا» در عمر هشت ساله‌اش شاهد بی‌تفاوتی کامل کسانی که قاعدتاً باید مسئول این امور باشند، و نخوت کارشناسان مدعی بوده است، اما همواره از اشتیاق تماشاگران جوانی که در اجراهایش شرکت می‌کردند، حیات گرفته و توانسته تا بر تعلق پر شور اعضایش تکیه کند. اعضاء گروه توانسته‌اند، بخاطر نبودن هرگونه سنتی در قلمرو تئاتر عروسکی راه مستقل خود را، به دور از هرگونه تأثیر در پیش گیرند. این امر به آنها میدان عمل آزادانه‌ای داده که در





## نقش تماشاگر در نمایش عروسکی

### همدستان تئاتر عروسکی

کننده (د) در نقش تأیید کننده. اینها چهار نقش نوینی هستند که هیچگاه در برنامه اجرا ذکر نمی‌شود اما همه عروسک‌گردان‌های مبتکر از آنها استفاده می‌کنند و موجب تفریح و حض از بازی‌ای می‌شود که مابین تماشاگر و عروسک‌گردان جریان می‌یابد.

اولین نقش یعنی نقش شرکت‌کنندگی، سبب همدستی تماشاگر می‌شود و او را در آنچه که فراهم می‌شود یعنی موفقیت، شریک می‌سازد. این امر فقط با ورود به محل اجرا حاصل می‌شود. تماشاگران از قبل و به دلخواه درآمیختن با رویداد نمایش را پذیرفته‌اند. وقتی اولین زنگ، آغاز نمایش را نوید می‌دهد، بر نقش شرکت‌کنندگی تماشاگر مهر رسمی می‌خورد.

وقتی نمایش شروع می‌شود تماشاگر در تله همدستی و مشارکت گیر می‌افتد و مسئولیتش برای تشویق عمل نمایشی و هدایت رویدادها به طور خودکار شروع می‌شود. پیش‌اندیشی او ساده لوحانه، حساب شده و معصومانه است. عروسکها ضعیفند - تحت امر عروسک‌گردان - و این موضوع دومین نقش تماشاگر را فعال می‌کند یعنی نقش مشوق.

### عالیجنابان عروسکها

اگر اجرای تئاتر عروسکی گونه‌ای سفر به درون دنیای داستان‌ها و تخیل است. پس، رویکردی دقیق به آن، وقوع روندی باطنی و مخفیانه را آشکار می‌سازد که برای خود اجرا و از آن مهمتر برای معنای هنر عروسکی، اساسی و قطعی است. تئاتر عروسکی شاید، یکی از جالب‌ترین شکل‌های هنر باشد که دعوتی واضح، لازم و مطمئن خطاب به عموم مردم برای مشارکت، مداخله و عمل دارد. این، آن وجه دیگری است که تئاتر عروسکی را خاص و جذاب می‌سازد، و چرا نه؟ توضیح این مسئله بسیار دشوار است.

ما دوست داشتیم که می‌توانستیم تمام عوامل مؤثر در ساخت و پرداخت رازی که نامش نمایش عروسکی است را مورد بحث قرار دهیم. رازهایی مانند پیشینه، منشاء، شکل‌ها و گونه‌ها، عمل، شخصیت عروسکها و غیره. اما به خاطر محدودیت فرصت باید به تمرکز بر روی روش‌های پنهانی که تماشاگر از طریق آنها در تئاتر عروسکی مداخله می‌کند اکتفا کنیم و نیز چهار زمینه‌ای که در آن عمل می‌کند: الف) در نقش، ب) در نقش مشوق، ج) در نقش تفسیر

شرح دهد. از آن جایی که در این نقش تماشاگر وقایع و موقعیتها را تفسیر می‌کند هیچ‌کس و به هیچ دلیلی نقش او را در تأیید نمایش انکار نمی‌کند. این عمل مستقیماً با موفقیت اجرا متناسب است. تماشاگر، داور نهایی است. قدرت او به عنوان تأیید کننده در زد، قبول، اثبات و باطل کردن مفاهیم و تفاسیر از زبان یکی از شخصیت‌های عروسکی اعلام می‌شود.

از نقطه نظر طراحی به گونه‌ای است که نقشها، تقسیم و قدرتها توزیع می‌شوند. این گونه است که شرکت کنندگان بازی را می‌پذیرند و پاره‌ای از این مراسم جدی می‌شوند که نامش تئاتر عروسکی است. این تئاتر بر خلاقیت مشترک رویدادی هنری تأکید می‌کند که شالوده‌ی لذت تماشاگر و عروسک‌گردان را به یکسان می‌ریزد و این سؤال را که تئاتر عروسکی چیست؟ بار دیگر پاسخ نداده باقی می‌گذارد. چه نیرویی عروسکها را حرکت می‌دهد و چه چیز سبب درگیر شدن تماشاگر در این ماجرا می‌گردد؟

چگونه این چهار نقش، تزکیه عروسک‌ها را موجب می‌شوند. این موجودات بیجان یا به عبارت دیگر موجوداتی که جنسیت آنها معین نیست با وجود قدسی خود ستایشگران و منتقدین را به یک اندازه مسحور می‌کنند، گونه‌های رایج بیان هنری و رفتار را درهم می‌شکنند، کارکردهای اجتماعی مهم و حضور پایداری دارند که از زمان و مکان فراتر می‌رود...

خانم‌ها و آقایان و بچه‌های عزیز من، من این عالیجنابان، عروسکان را به شما ارزانی می‌دارم.

موفقیت اجرا و لذتی که تماشاگر به عنوان مشوق می‌برد نقطه عطف اجرا و آزمایشی برای عروسک‌گردان است. فاصله (یا فضایی که بین صحنه و تماشاگر و تفاوت نقشها و قدرت آنها وجود دارد) باید در این نقطه از میان برداشته شود. در این لحظه است، که تماشاگر نقش تفسیر کنندگی به خود می‌گیرد و همه چیز تغییر می‌کند. عروسکها با مهارت قدرت خود را به تماشاگر تفویض می‌کنند و به مداخله ساختگی او قدرت می‌دهند تا همچون کارگردان نمایش عمل کند. تنها نکته قابل ذکر این است، که کنار کشیدن کارگردان به معنای کنار کشیدن کارگردانی تفسیر هاست، نه کارگردانی عمل نمایشی. نقش تفسیر کنندگی تماشاگر صحنه‌هایی را به کار اضافه می‌کند و قسمتهایی از عمل نمایشی را حذف می‌کند، به موقعیتی جدید معنا داده و فعالیت دو جانبه خلاق را استحکام می‌بخشد. اما همیشه این مشارکت، بر اساس پس زمینه‌ای از مفاهیم و حالت‌های مشخص است. این مداخله ممکن است فقط شامل نامگذاری یک جسم با یک شخصیت باشد ولی غالباً و با جلب بیشترین مشارکت، از تماشاگر خواسته می‌شود تا وقایعی را که در غیاب عروسکها از صحنه اتفاق افتاده،





## یک تجربه عروسکی با کودکان

### پروژه عروسکی به فیلم تبدیل می‌شود

نوشته: کریس آلبوت

ترجمه: سعیدرضا طلاجوی

کردند، او تصمیم گرفت فکر یک روایت داستانی را اندک پیش‌تر برد. علاوه بر این قرار شد که بجای کار با دوربین ویدیویی با دوربین سوپر ۸ مشغول کار شود. زیرا هر چند بچه‌ها نمی‌توانستند نتیجه کار را بلافاصله ببینند، ولی تصاویر بهتر این دوربین آنها را تشویق به ادامه کار می‌کرد.

ویلف نیمه اول ترم را صرف ساختن عروسک با بچه‌ها کرد. بیشتر آنها عروسک‌های نخی بودند. ولی برخی دیگر از بدن عروسک‌گردانشان آویزان بودند یا به لباس آنها وصل شده بودند. بحث و بررسی موضوعات گوناگون منجر به انتخاب موضوع «بی‌روایی و زورگویی» به عنوان مضمون نمایش شد. و یک طرح داستان پیشنهاد و نوشته شد. شخصیت زورگو (بی‌پروا) یک عروسک بزرگ با دستهای متحرک بود. شخصیت قربانی یک عروسک کوچک بود که عروسک‌های دیگر به راحتی می‌توانستند از زمین بلندش کنند. اعضای بدن و سرها از مقوای رنگ شده یا

اخیراً یک پروژه عروسکی با همکاری گالری هنری وایت چپل و انجمن آموزش مرکز لندن در شرق لندن به اجرا درآمد. گالری هنری وایت چپل یک بخش آموزشی دارد، که از میان هنرمندان ساکن در محل، افرادی را برای مدارس و دانشکده‌ها انتخاب می‌کند. ویلف سراسر در آغاز سال تحصیلی گذشته به عنوان یک هنرمند ساکن در محل به مدرسه ابتدایی لاوریستون در، هاکنی، وارد شد و برای ترم تابستانی هم دوباره به آنجا دعوت شد.

با استفاده از دوربین ویدئو، ویلف در نخستین دوره درس خود در مدرسه توانست بازیها ابتکاری زیادی را راه بیندازد که بچه‌ها را در درک و کشف تواناییهای بالقوه ویدیو یاری می‌رساند. همانطور که دوره درس جلو می‌رفت، طرح یک داستان و تولید یک محصول کامل اهمیت پیدا کرد؛ ولی ویلف دریافت که این شوق به بازی است که بچه‌ها را کنار هم نگه می‌دارد نه شوق به ساختن یک محصول کامل. وقتی ویلف را دوباره به مدرسه دعوت

می‌آمد و ایستاده می‌ماند.  
کاملاً واضح بود که بچه‌ها خیلی نگران  
عروسک قربانی بودند و در بین برداشتها سعی  
می‌کردند وضع او مرتب باشد و جای خوبی  
داشته باشد.

ویلف پرده پشت صحنه را شبیه زمین بازی  
مدرسه نقاشی کرد و فیلمبرداری شروع شد.  
وقت زیادی صرف تمرین شد و دانش‌آموزان  
تشویق به یافتن بهترین شیوه‌ها برای به  
کارگیری عروسک‌ها شدند. بچه‌ها به جای  
اینکه صحنه‌ها را تک‌تک فیلم بگیرند، یکی  
پس از دیگری ضبط می‌کردند. هر یک از  
بچه‌ها، باید به نوبت، بعد از استفاده از یک وسیله  
اندازه‌گیری چوبی و مقوایی دوربین را زوم  
می‌کردند. به خاطر تجربیاتی که از کار با ویدیو  
داشتند. اغلب بچه‌ها در کارشان مهارت یافته  
بودند.

طریقه استفاده از عروسک‌ها بچه‌ها را قادر  
می‌کرد که فکر خود را روی موضوع نمایش  
متمرکز کنند و به رابطه موجود بین زورگو و  
قربانی بپردازند - چیزی که اگر حتی خود بچه‌ها  
نقشها را ایفا می‌کردند، غیر ممکن می‌شد.

ویلف می‌گوید که قصد او این بوده است که  
عروسک‌ها نافرمانی، شیطنت بی‌جا، و بد جنسی  
را چنان که خود بچه‌ها تجربه کرده بودند به  
نمایش بگذارند و سپس بچه‌ها دست به کنترل و  
برخورد با آن بزنند. عروسک‌ها طوری طراحی  
شده بودند که با بدن خود بچه‌ها هماهنگی داشته  
باشند و حس بازیخواهی آنها را ارضاء کنند.  
وقتی مشغول کار بود، او سعی می‌کرد بچه‌ها را به  
طور غیر مستقیم تشویق به اظهار نظر در مورد  
نحوه به کارگیری عروسک‌ها کند. داشتن یک  
هنرمند - ساکن در محل برای مدرسه شرایطی  
فراهم کرده بود که بتواند ترتیبی دهد تا بچه‌ها به  
طور گروهی روی یک موضوع هیجان‌انگیز کار  
کنند و از دانش یک فرد متخصص استفاده کنند.



ظرفهای پلاستیکی ساخته شدند. عروسک  
زورگو به گردن دختر بچه‌ای آویزان شد تا او  
بتواند دستهای آویخته او را به آسانی و از پشت  
کنترل کند. سر عروسک، سر خود دخترک را  
می‌پوشاند. با این حال او هنوز می‌توانست به  
خوبی اطرافش را ببیند. شخصیت قربانی که  
خیلی کوچکتر از شخص زورگو بود، یک  
عروسک نخی بود که کمتر از نیم متر قد داشت.  
به جای اینکه با حرکت مستقیم دست به حرکت  
درآید. از چهارچوب فلزی که پرده انتهایی را  
نگه‌می‌داشت آویزان می‌شد طوری که فقط  
پاهایش با کف صحنه تماس داشت. این  
عروسک بوسیله دانش‌آموزی که در نزدیکی  
می‌ایستاد و بندهایش را در شدت می‌گرفت به  
حرکت درمی‌آمد. هر چند وقت یکبار عروسک  
زورگو او را از زمین برمی‌داشت تکان‌تکان  
می‌داد و دوباره به زمین می‌انداخت و او به خاطر  
نحوه آویزان بودنش همیشه دوباره روی زمین

مخلوط و هماهنگ کنم.  
«فیلمبرداری به‌طور کلی در داخل و اطراف یک صحنه در میان راهروی مدرسه به انجام رسید. و این باعث شد که پروژه تبدیل به یک چشم‌انداز عمومی شود - کمی شبیه به نمایشها خیابانی - با این حال من یک پایگاه داشتم که شبیه یک کلاس‌باز بود. همه عروسک‌ها به طرز رعب‌آوری بر روی دیوار آویزان بودند.

«دوربین مانند عروسک‌ها، وسیله‌ای بود که

باید با شکیبایی و متناسب با

برداشتها و تک تک

تصاویر جابه‌جا

شود. من

دوست



داشتم

موقعیتهایی

بیافرینم که در

آن برخورد با واقعیات

و موقعیتهای خاص باعث

توسعه قدرت خلاقیت شود. این کار با آرامش

خاطر و بدون دغدغه انجام شد. بچه‌ها

پیشنهادهای جالبی مطرح می‌کردند و من خیلی

از آنها الهام گرفتم. کار کردن برای یک نتیجه

نهایی بدون نگرانی و دغدغه بسیار آموزنده و

دلچسب است.

جایگیری ویلف در مدرسه توسط گالری هنری  
وایت چپل انجام شد و مخارجش را ایلا ILEA  
و مؤسسه سرجان کاس پرداخت کردند.

ویلف سراسر می‌افزاید: «خوش اقبالی من  
در این بود که نه به عنوان یک معلم، بلکه به  
عنوان یک هنرمند فیلم‌ساز کار می‌کردم، به  
طوریکه می‌توانستم کار خود را روی گروه‌های  
پنج نفره متمرکز کنم. من با بچه‌ها گروهی کار  
می‌کردم و رویهمرفته ۶۰ کودک را تحت پوشش  
داشتم. ما از ۱۵ فیلم سوپر ۴۰ با

۲۴ برداشت در ثانیه

استفاده کردیم و با

یک فیلم

بیست

دقیقه‌ای

کار را

به پایان

بردیم.

«من در طول

تعطیلات تابستانی‌ام

فیلم را ویرایش و حلقه‌ها را به

هم متصل کردم، و نتیجه را مرتب و تمیز کرده،

روی نوار ویدیو بردم و سپس روی صدای آن

کار کردم. گروهی از بچه‌ها موسیقی و صداهای

جانبی را بدیهه‌سازی کردند و گروه دیگر

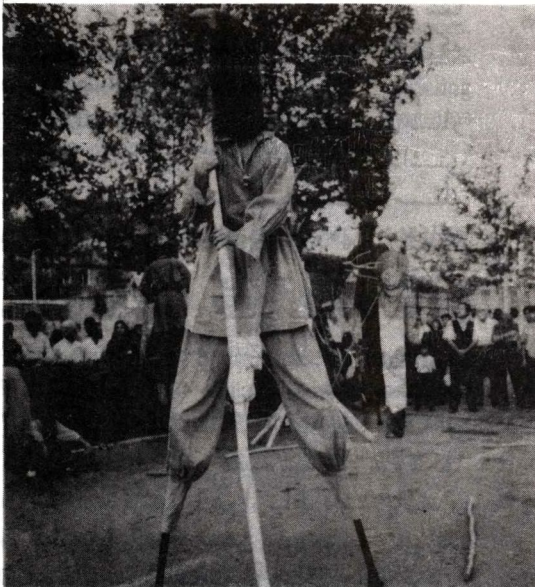
گفتگوها را ادا کردند. و من توانستم این کارها را

در کارگاه موسیقی جوانان تاور هاملت با هم



## «نمایش ماسکاراس» نمونه‌ای موفق از نمایش خیابانی

محمدحسین ناصر بخت



سرانجام با پنج روز تأخیر، نمایش خیابانی گروه ماسکاراس (مجارستان) به اجرا درآمد. گروه ماسکاراس در این نمایش خیابانی با استفاده از شمایل و هیاکل متحرک، با ماسک‌هایی سبدگون، نمایشی را بر صحنه می‌برد که آمیزه‌ای است از موسیقی و حرکات دشوار آکروباتیک. نمایشگران این گروه با به نمایش گذاشتن نبردها و مبارزات هیاکل حیوانی، که با استفاده از چوب-پاها، عظمت یافته‌اند، و بهره‌گیری ماهرانه از چوبدستها و پرچمها، هماهنگ با نوای یک موسیقی پرتحرک، با به یاری طلبیدن تماشاگران در اجرا، بازی کردن با کودکان و... جشنی به پا می‌کند، تماشایی و بدین‌سان بدون استفاده از کلام و قصه و متن و... به ساده‌ترین راه، و البته با مشکل‌ترین حرکات و اعمال بدنی بر این نکته که «تئاتر پیوند دهنده ملت‌هاست» مهر تایید می‌زند.

### وجه تسمیه نام گروه نمایش خیابانی «ماسکاراس»

تلفظ مجاری نام گروه، ماشکاراش است. که ما به دو دلیل آن را به ماسکاراس برگردانده‌ایم: اول، برای سهولت بیان واژه ماسکاراس در زبان فارسی که با امکانات آوایی، تلفظ سهل‌تری را پیشنهاد می‌کند. دوم به دلیل نزدیکی و هم‌خوانی فونتیکی واژه ماسکاراس با واژه مسخره و جمله معترضه «مسخره است». بد نیست بدانیم که ماشکاراش در زبان مجاری به معنای مسخره به مفهوم کمیک یا کمدی است. دلیلی دیگر بر درآمیختگی فرهنگ‌ها و زبان‌ها و ارتباط تاریخی ملت ایران با ملت مجار.



## گفتگو با واسیلی پیلپین پو

### گروه تئاتر عروسکی آکراین

تهمینه رضویان

معتقد هستم که این سازمان موجب همبستگی تئاتر عروسکی کشورهای مختلف می‌شود و این امر مفیدی در جهت پیشرفت و ترقی تئاتر عروسکی است.

□ تشکیلات تئاتر عروسکی در کشور شما چگونه است؟

□ در کشور ما ۲۵ استان وجود دارد که تئاتر عروسکی در هر یک از این استانها تشکیلات جداگانه‌ای دارد که از طرف دولت حمایت می‌شوند یعنی دولتی هستند و از سال جدید هم قرار است که فستیوال عروسکی در آکراین برگزار شود و ما مایلیم که ایران هم در این فستیوال حضور داشته باشد و در ردیف اول قرار گیرد و ما بتوانیم ارتباط دوستانه‌مان را با ایران توسعه دهیم.

□ از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید بسیار سپاسگزار هستیم و امیدواریم فستیوال برای شما خاطره بیاد ماندنی برجا بگذارد.

□ از مسئولین کشور و همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خیلی تشکر می‌کنم که این برنامه را تدارک دیده‌اند و در این رابطه هزینه سنگینی را متقبل شده‌اند. همچنین از دیپلماتهای ایرانی که در سفارت آکراین هستند کمال تشکر را دارم که به ما کمک کردند تا بتوانیم در این فستیوال حضور داشته باشیم. ما نمی‌دانیم که چطور می‌توانیم احساس قدردانی خود را از مسئولین برگزاری فستیوال بیان کنیم ولی سعی می‌کنیم با حضور فعالانه خود در فستیوال تا حدی پاسخگوی محبت آنها باشیم.

□ ضمن خیر مقدم به جنابعالی مایلیم نظر شما را در مورد گفتگوی تمدنها (عنوان سمیناری که در این جشنواره داریم) بدانیم؟

□ به عقیده من حضور ما در این فستیوال بسیار ارزشمند است، زیرا مسئله به اجرا گذاشتن نمایش ما تنها یک جنبه قضیه است اما مسئله مهم‌تر از نظر من ارتباط بین گروههای مختلف نمایشی است زیرا ما می‌توانیم از این طریق هم هنر کشورمان را برای سایر کشورها نمایش دهیم و هم با هنر و خلاقیت آنها آشنا شویم.

□ همانطور که می‌دانید عروسکها در کشورهای مختلف بیانگر آئین و فرهنگ آن کشورها هستند آیا به عقیده شما این عروسکها می‌توانند به نوعی با هم ارتباط داشته باشند و می‌توانند با یکدیگر سخن بگویند.

□ هر کشوری شخصیت عروسکی ویژه خود را دارد و شرکت ما در این فستیوال به این جهت برای ما جالب و خوب است که می‌توانیم با همه شخصیتهای عروسکی کشورهای دیگر آشنا شویم ولی این نکته قابل توجه است که تمام کسانی که تئاتر عروسکی کار می‌کنند در حکم یک واحد هستند و همه به سمت یک هدف گام برمی‌دارند و یک هدف مشترک دارند و آن پیشرفت و توسعه فکری کودکان است.

□ آیا کشور شما عضو یونیماست؟ به نظر شما یونیم تا چه حد می‌تواند در پیشرفت تئاتر عروسکی و ارتباط میان گروههای نمایشی مؤثر باشد؟

□ متأسفانه کشور ما عضو یونیم نیست ولیکن





**□ The Origins of Puppet Theater and the Tiri Tumba Players**

Puppet theater was originally an important form of art: the game of gods; but for unknown reasons it gradually lost its importance. TiriTumba players are a Greek puppet troupe trying to recapture the old spirit by their original performances. Encouraged by its young audience, it has been able to break away from restricting traditions and has performed 18 programs both in traditional and modern modes.

**□ A puppet Experience with Children**

Wilf Thrust was chosen by White Chapel Art Gallery to act as an artist in residence for a primary school. He describes his experience with children and explains how he managed to attract children's attention and get their active participation in creating a puppet film about bullying and its results.

**□ The Role of Audience in the Puppet Theater**  
**Cooperators of the puppet theater**

In Puppet theater, a performance is a journey to the no-where-land of imagination, and thus needs the active participation of an audience who have to play his own roles. On the whole, four roles should be given to the audience. First comes his role as the participant, fulfilled as soon as he enters the theater to enjoy the performance. Second comes his role as the main source of encouragement, achieved when he is responsive to the subtle movements made by the puppeteers. Then, there is his role as the interpreter. His imagination provides the material for the needed links, implied scenes, meaningful relations, and personal meanings. Finally, there comes his role as the judge. His

judgment is the most significant criterion to evaluate a performance.

**□ Saint Anthony's Temptation**  
**Written by: John Philips**

There is no wonder why this play has always attracted puppet groups since its picaresque structure brings about situations offering a series of opposite characters. The play is ideal for small family troupes with limited facilities.

According to the traditional performances, Anthony, who has spiritual struggles and questions and doubts himself, is opposed to the realism and the usual earthly character of his boar. This opposition can be compared to that of Don Quixote and Sancho Panza.

**□ Poliszynel**

He is a well-known French puppet theatre character survived from commedia dell'Arte and a cousin to Pulcinella and Punch. His origin is in Italy and was named thus in Paris in 1360 A.D. In the 17th century he was built as a marionette and was present in a lot of travelling theatrical troupes.



**□ Petruska**

Although the origin of Petruska, the famous character in Russian puppet theatre is not known, there are evidences suggesting that it was adopted from Commedia dell'Arte. It was first used in puppet shows in the beginning of 1840s. It has appeared along with polcinella in street comedies. These shows, which were accompanied with music, had no texts and were performed spontaneously.



مترجمین: سهیل خداپرستی - فرح یگانه

English Translators: Soheil Khodaparasti  
and Farah Yeganeh

### □ Mr. Boris Goldvsky's Message The Director of Obraztsov Museum

With best regards from Moscow and from Russian people, we have brought for you a collection of 122 puppets, which is only a small part of Obraztsov Museum. They will be shown to the interested people in an exhibition in Vahdat Hall along with very beautiful video concerts and theatrical performances.

### □ Bizhan Ne'emati Sharif: puppet constructor

He was born in 1947. He graduated from the faculty of Fine Arts of Tehran University. In 1976, he started his activities in the Institute for Intellectual Development of Children and Young Adults as a puppet designer and constructor. He says:

The reason for the success of the European countries in the field of puppetry is their continual work. Of course, the availability of facilities is a very important factor. I believe we can do better because creativity has no limits.

### □ The Fox and the Rooster

Written by: Behrang Bashiri  
Directed by: Barmak Bashiri



This puppet show, written in three episodes,

features a rooster as the protagonist who fights against the King and tries to enlighten others in the first episode. He struggles with the fox and attempts to reveal the hidden facts of life in the second one. In the third episode...

Barmak Bashir, born in 1972, has seriously worked in the field of puppet theatre since 1986. He has performed more than ten shows in different festivals. It is the first time he participates in Tehran International Puppet Theatre Festival.

### □ The Robot and the Butterfly

Jamshid Akbarzadeh, the director, has adopted the play from a story written by Gilberts Kateh.

A scientist exhibits the recent technological achievements in a fair. The eager visitors ask questions and he replies. One night, a butterfly enters the fair and talks with a robot which has human brain. The butterfly is attracted to the robot and ...

### □ Hasani and the Black Demon

Written by: S. Rezaie  
Directed by: I. Ashrafi

Hasani, a lazy and idle boy, is forced to leave home by his mother to learn some profession. On his way, Hasani sees an egg, a bird and... Ashrafi was born in 1969 and studied art for two years. He had some part in the production of "The Marble Pearl" and "Pumpkin" directed by Z. Sarabi and M. Zarrin Ghalam respectively.

## برنامه امروز جشنواره

- تالار وحدت - «دنیای شگفت عروسکها» - آمریکا - ۲۰:۰۰ - سالن انتظار: قصه‌های همه گلپهار  
 سالن اصلی تئاتر شهر - «نیرنگ» - ایران - ۲۰:۰۰ - ۱۸ - سالن انتظار: ساز سحرآمیز  
 سالن شماره ۲ - «خانه عروسک» - ایران - ۲۰:۱۵  
 سالن قشقای - «قره‌گز» - ترکیه - ۱۷:۳۰  
 سالن فارابی - «اکوبکویکو» - گرجستان - ۱۸:۳۰  
 تالار هنر - «والنتینو» - بلژیک - ۱۸:۰۰  
 تالار سنگلج - «درازای بدی خوبی کردن» - ترکمنستان - ۱۸:۳۰  
 تالار اندیشه - «سی مرغ در پیشگاه سیمرخ» - ایران - ۲۰:۰۰  
 موزه سعدآباد - «مار سفید» - ترکمنستان - ۱۸:۰۰  
 فرهنگسرای ابن سینا - «تیک تاک» - ایران - ۱۸:۳۰  
 فرهنگسرای نیاوران - «رهبانو» - ایران - ۱۸:۳۰  
 تالار شهید آوینی - «سرزمین خورشید» - ایران - ۱۸:۳۰  
 تالار میارک - «یاد ایام» - ایران - ۱۸:۰۰  
 مجتمع گلستان - «قطعه گمشده» - ایران - ۱۸:۳۰  
 فرهنگسرای خاوران - «تیری تومبا» - یونان - ۲۰:۰۰  
 فرهنگسرای سرو - «مترسک» - ایران - ۱۸:۳۰  
 فرهنگسرای اشراق - «توکلی ایله خوروز» - ایران - ۱۸:۳۰  
 فرهنگسرای شفق - «فانوس خیال» - ایران - ۱۸:۳۰  
 شهرستانها - «مرثیه سوگ سهراب» (ایران، همدان) - قاصدپائیز - (ایران، قزوین)  
 خانه فرهنگ نور - «گوی سپید جادویی» - ایران - ۱۸:۳۰  
 خانه فرهنگ فدک - «تیل تیل» - ایران - ۱۸:۰۰  
 آمفی تئاتر مرکز تهران شناسی - «گفتاکه به نشناسم» - ایران - ۱۸:۳۰  
 مرکز تئاتر عروسکی سالن گلستان - «ماهی قرمز کوچولو» - ایران - ۲۰:۰۰  
 مرکز تئاتر عروسکی تئاتر بوستان - «اشی مشی» - ایران - ۱۸:۰۰  
 خانه فرهنگ مهرآباد جنوبی - «خیمه شب بازی» (ریسمی) - ایران - ۱۸:۳۰  
 خانه فرهنگ گلها - «چاله» - ایران - ۱۸:۳۰  
 مرکز علوم و فنون کوی ۱۳ آبان - «بیر پهنه دریا» - ایران - ۱۸:۳۰  
 تالار و کتابخانه شهر سالم شماره ۱ - «روبووت و پروانه» - ایران - ۱۸:۰۰  
 کارگاه دکور تالار وحدت - «عروسکی آبی» - ویتنام - ۲۰:۳۰  
 خانه فرهنگ خواجوی کرمانی - «دلهمی خوادفیل نیاشم» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر

## تئاتر خیابانی

- پارک دانشجو ضلع شمالی - «آقای وندال» - ایران - ۱۷:۳۰  
 پارک دانشجو ضلع غربی - «گرگ فروشنده» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 پارک شهر - «حسنگ» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 پارک لاله بازار گل - «حریم خلوت راز» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 پارک ملت - «پنج قصه» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 پارک ساسی - «زندگی» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 پارک راه آهن - «سیگار» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 پارک خیام - «همراه» - ایران - ۴ و ۵ بعداز ظهر  
 تالار وحدت سالن نمایشگاه - هروری بر نیم قرن هنر سرگنی ابرانسوف  
 - ۱۰ الی ۱۲ - ۱۲ الی ۱۸ بعد از ظهر
- سمینار گفتگوی تمدنها و نمایش عروسکی**
- نشستی با گروه نمایش عروسکی بلغارستان - فن بازیگری در نمایش  
 عروسکی - ۱۰ تا ۱۱  
 نشستی با گروههای نمایش عروسکی اکراین و بلاروس - ۵۰ سال  
 نمایش عروسکی - ۱۱ تا ۱۲

